

محمد رضا پهلوی؛ بزرگ سانسورچی قرن

۲ شهریور ۱۳۹۶ ساعت ۱:۲۷

جمال میرصادقی یک مجموعه از داستانهای کوتاه خود را چاپ کرده بود که بیشتر آنها در مجله «سخن» قبلاً انتشار یافته بود. اسم این مجموعه را «هراس» گذاشته بود. گفتند در کشور شاهنشاهی هراس معنی ندارد و باید اسم کتاب را عوض کنند. . . .

کافه تاریخ- مقالات تاریخی

سانسور کتاب و مطبوعات یکی از اقدامات حکومت پهلوی و به خصوص محمد رضا شاه در راستای تسلط بر جامعه بود. کتاب و مطبوعات به عنوان یکی از ابزارهای مهم ترویج اصول سیاسی و نقد حکومت همواره از ابزارهای تحت کنترل حکومت‌های دیکتاتوری بوده‌اند. از این رو محمد رضا شاه نیز در راستای تکمیل قدرت دیکتاتوری خود در کنار اعمال شدید سایر حوزه‌ها، کنترل فرهنگ، کتب و مطبوعات را نیز در دست داشت. این اقدامات شامل سانسور بسیاری از کتب می‌گردید و در راستای حفظ حکومت صورت می‌گرفت. با این مقدمه به وضعیت سانسور کتاب، علل آن و نیز برخی از کتب سانسور شده در این دوره پرداخته می‌شود.

سانسور چیست و سابقه آن در ایران

سانسور به طور کلی به عمل کنترل و یا حذف سخن یا مطلبی خاص در کتب، مطبوعات و سایر ابزارهای انتقال اندیشه، به صورت قهری و یا از طریق اعمال مقرراتی خاص اطلاق می‌گردد. سانسور معمولاً توسط نهادهای دولتی یا حکومتی و به دو منظور ایجاد ثبات و آرامش در کشور و یا حفظ حکومت از تیررس انتقال آرا و نظرات منتقدان صورت می‌گیرد. سابقه سانسور به مفهوم نوین آن در ایران به دوره قاجار و در رابطه با مطبوعات بازمی‌گردد که طی آن روزنامه وقایع اتفاقیه مهمترین روزنامه رسمی آن دوره، با سانسور واقعیات تنها به انعکاس اخبار مورد نظر پادشاه می‌پرداخت. روند سانسور در دوره پهلوی اول با شدت بیشتری ادامه می‌یابد و با پیدایش دانشگاه و گسترش ترجمه کتب غربی، علاوه بر مطبوعات، کتب نیز مشمول سانسور دولتی قرار گرفتند. در این دوره سازمان پرورش افکار مهمترین ارگان مرتبط در این زمینه بود.

این نهاد که در سال ۱۳۱۷ تشکیل شد «مهمترین ارگان تبلیغی- تربیتی رژیم رضاشاه بود... و تمامی دستگاه‌های تبلیغی،

مطبوعات، مدارس و دیگر نهادهای آموزشی در خدمت رواج اندیشه‌های این سازمان بودند. ۱ با سقوط حکومت رضاشاه، فضای بالنسبه آزاد سیاسی که به دلیل ضعیف و جوان بودن پادشاه جدید یعنی محمدرضا شاه پهلوی شکل گرفت، کتب از محدودیت و کنترل دولتی رها شده و نویسندگان مجال بیشتری برای ترجمه و انعکاس افکار خود یافتند. چنانچه تعداد نشریات دولتی به مدیریت از فرنگ برگشته‌ها، به ۱۲۹ عنوان رشد یافت. ۲ با این حال محمدرضاشاه نیز بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تثبیت قدرت سیاسی خود، فصل جدیدی در فضای سیاسی و فرهنگی کشور آغاز نمود. بتدریج با افزایش قدرت سیاسی شاه، کنترل ابزارهای سیاسی و فرهنگی که می‌توانستند در اشاعه و یا نشر عقاید مخالف حکومت مورد استفاده قرار گیرند، شدت یافت. این موضوع در یکی از اسناد منتشر شده از دوره پهلوی نیز به خوبی نشان داده شده که در آن آمده است: «به اطلاع کلیه پرسنل از جمله افسران، درجه دران، و کارمندان برسانند که از خرید و یا مطالعه کتاب‌های مذکور (مضره) خودداری نمایند.» منظور از کتب مضره کتبی بودند که توسط افراد و یا گروه‌های مخالف حکومت اعم از گروه‌های مذهبی، کمونیستی و... تدوین و تهیه میشد.

پرویز ناتل خانلری یکی از شخصیت‌های معاصر که از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ مجله «سخن» را منتشر میکرد در مصاحبه‌های در این رابطه عنوان میکند که سانسور کتاب در دوره پهلوی به خصوص در دهه آخر حکومت، روز به روز سختتر می‌شد. چنانچه جمال میرصادقی یک مجموعه از داستانهای کوتاه خود را چاپ کرده بود که بیشتر آن‌ها در مجله «سخن» قبلاً انتشار یافته بود. اسم این مجموعه را «هراس» گذاشته بود. گفتند در کشور شاهنشاهی هراس معنی ندارد و باید اسم کتاب را عوض کنند. مدت‌ها کتاب چاپ شده در انبار باقی مانده و اجازه توزیع آن صادر نشده بود. ۳ خانلری در نگاهی آماری، عنوان میکند که در برهه‌های در حدود هفتصد کتاب چاپ شده در توقیف قرار داشت. برخی از کتب بنا به دلایل نامشخص و غیر معقول همچون نام یا عنوان آن اجازه نشر نمی‌یافتند. مثلاً در یک مورد کتاب تئاتر عبدالحسین نوشین دوازده بار چاپ شده بود اما برای چاپ بعدی جلوی آن را گرفته بودند که اسم نوشین نباید بیاید که در نهایت کتاب با اسم مجهول دیگری چاپ میشود.

برخی از اسناد نیز از چندصد کتاب با عناوین و محتوای متفاوت نام می‌برند که هیچ گاه به مرحله چاپ نرسیدند و یا مورد سانسور قرار گرفته و به عنوان کتب ممنوعه شناخته شدند. در بین این کتب میتوان عناوینی چون: آینده قلمرو اسلام، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، ابراهیم بت شکن نوشته مصطفی زمانی، اقتصاد ملی شوروی، اشعار و مقالات برگزیده درباره تختی، اصول علم و اقتصاد، انقلاب حیوانات، بورژوازی آمریکا، پاشنه آهنین، تاریخ حزب کمونیست شوروی و... به چشم می‌خورند که نمونه کوچکی از انبوه کتب ممنوعه هستند. این وضعیت علاوه بر سانسور و یا ممنوعیت چاپ شامل محدودیت دسترسی نیز میشد. چنانچه «در زندان اوین و «کمیته» زندانیان مطلقاً از کتاب، نوشت افزار، روزنامه و مکاتبه با بیرون از زندان محروم بودند.» ۴ این وضعیت تقریباً تا سالهای آخر حکومت پهلوی حاکم بود؛ منتها در سال ۱۳۵۶ و یکسال قبل از پیروزی انقلاب، تحت تأثیر روی کار آمدن کارتر در آمریکا و طرح شعار حقوق بشر و احترام به آن از سوی کشورهای ناقض، شاه بر آن شد تا با ایجاد فضای سیاسی از بار فشارهای داخلی و خارجی بکاهد. از این رو علاوه بر آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی، کتب و نویسندگان آن نیز مجال آن را یافتند با آزادی بیشتری به نشر آثار خود بپردازند.

فضای حاکم بر کشور در این برهه را میتوان در سخنان و خودانتقادی امیرعباس هویدا در گردهمایی خبرنگاران در تیرماه

۱۳۵۶، مشاهده نمود: «همه ما می‌خواهیم در مملکتی زندگی کنیم که در آن آزادی قلم وجود داشته باشد.»^۵ با این حال این فضا از محدودیت‌های بسیاری برخوردار بود. اگرچه حتی در این زمان در حد حرف «هر فکر و عقیده‌ای آزاد است مگر آنکه به حیات ملی ایران صدمه بزند.»^۶ البته همانطور که در ابتدا نیز اشاره شد، اعمال سانسور تنها مختص کتب نبوده و بسیاری از مطبوعات نیز مشمول سانسور و یا توقیف میشدند که بررسی تعداد و عناوین این مطبوعات خود مجال دیگری را می‌طلبد. با این حال در بررسی نهایی علل اعمال سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم میتوان گفت که این اقدام ظاهراً در جهت حفظ ثبات کشور صورت میگرفت و شاه امیدوار بود با این اقدامات بتواند امنیت حکومت و کشور را حفظ و از آگاهی فکری مردم جلوگیری نماید؛ اما بررسی دقیق کتب ممنوعه نشان میدهد که سانسور بیشتر شامل کتب مذهبی و یا نویسندگان آثاری بود که به نوعی با حکومت در ابعاد گوناگون آن مخالف بودند. در حالیکه بسیاری از کتبی که مخالف اصول اعتقادی مردم و یا اسلام بودند به راحتی چاپ و منتشر میشدند. درج مطالب توهین آمیز به مراجع در روزنامه‌ها و یا کتب خاص، فعالیت آزادانه بهاییان و انتشار کتب مربوطه بخشی از تبعیض رژیم پهلوی در کنار سانسور شدید کتب سایر گروه‌های مخالف سیاسی بود.

منابع:

۱. حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ۱۳۷۶، ص ۹۹

۲. علی اکبر قاضی‌زاده، جان باختگان روزنامه نگار، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹، ص ۶

۳. خاطرات پرویز ناتل خانلری، سانسور در دوران پهلوی/ از فهرست نویسندگان ممنوع القلم تا کلمات ممنوعه، سایت تاریخ ایرانی

۴. صادق زیباکلام، مقدمه‌های بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۴، چاپ پنجم، ص ۲۱۹

۵. زیباکلام، همان. ص ۲۲۶

۶. همان. ص ۲۲۶

